

خود خارقه کرده اند و همیشه آهه اند تا تو ایشان را طایفه  
کلی الاون ایشان را باز با سپار تا با ز قبیل خود رسایم و جوان  
نجاتی تمدق کردند و گفتند اینها قوم خود به دارند پس  
نجاتی بقیعت رفت و گفت قومی که بنا بین کرده اند و در  
بیشترین قرار گرفته اند چه گونه ایشان را پر و فاکم این بجای  
رسد پس مسلمانان را جمع کرد و ما با هم گفتیم که هر خواهی که  
بهر از راستی نباشد و خدا نکه هستیم بنام و طاعتی از آن  
دولت را حاضر گردانید و اینجمله در میان آورده اند و جعفر  
ای طایفه دینی اسعدند پیشوای مسلمانان بود بجای گفت  
این و شخص صحرایی میگفتند که شما از دین بگردان خود معاف  
کردید و نه متابعت عیسی میکنید و نه از ان موتی را چه  
صید که دین شما چیست جعفر گفت ما هر دین بدان  
خود بودیم و بت می پرستیدیم و حق فرستادند پیغمبر  
نسب و صدق و عفاف او معلوم داریم بجهت کرد  
و ما را دعوت به خدای پرستی نمود که شرک را ترک کنیم  
و غیر خدای نه پرستیم و او معروف و نبی مکه گفتم  
و نماز داریم و زوجه داریم و زولو و هم طایان بوی او را  
و میدانیم که هر چه او فرموده حق و راست است و تو که در  
بدران این سبب کردیم و چون از لاج اخیره از ایشان بجای

و از حکامه عاجز بودیم حضرت رسالت صلوات الله و سلامه  
علیه فرود تا بجزه بر میز تو کردیم و بلاد تو بهترین بلاد ما  
دانستیم تا ظلم ایشان از ما دفع کن بجای گفت از قرآن  
چیزی با شما هست جعفر گفت بلی و سوره که قصه بر کار  
نخواند و بجای چندان بگریست که ما من او از اشل تر شد  
و قربان او همچنین بگریستند و کلمات را اینجمله از اشل ایشان  
ترکشت پس گفت و الله که این کلام و آن کلام که بوسی آه  
مرد و از لاج جریحه بیرون آهه و بعد از آن گفت و الله این  
جایه تسلیم شما نکنم و ایشان و شما هم ننگارم ام سلمه گفت  
ایشان مرد و معتدل و سوا پیرون رفتند و غر و عاص گفت و الله  
که فردا با زبیش بجای روم و ایشان را استیصال کنه و این  
دیگر گفت چنین نبی باید کرد که خود ایشان ماند و از لاج کالو  
باشند روز دیگر غر و وقت و با بجای گفت ایشان در شان  
عیسی بخلاف شما میونند و دومی ایشان آنست که عیسی  
ندید خدایست ام سلمه گفت ازین سخن چندان اندوه ما دیده  
که ما که ندیدیم و دومی و با هم گفتیم ایشان عیسی را خدای میدانند  
و حضرت رسالت علیه الصلوٰه و السلام فرمود که عیسی ندید  
خداست چه خواهیم گفت گفتند آنچه خدای و رسول  
خدای فرموده تکریم کنیم پس بجای ایشان را طایفه داشت